

جنگ روانی و پیامدهای آن

Psychological warfare and its consequences



تتبع و نگارش : ناهید علومی

جنگ روانی چگونه تعریف میشود؟

اقدامات برای تضعیف حریف بدون استفاده از نیروی فیزیکی جنگ روانی است.

تبلیغات برنامه ریزی شده به وسیله عوامل آشکار چون: رادیو، تلویزیون و عوامل پنهانی مانند: شایعه پراگنی به منظور تحریف حقایق- تضعیف روحیه و بی اعتبار ساختن انگیزه ها غرض کاستن از اقتدار و اثرمندی طرف مقابل همچنان جنگ روانی محسوب میشود.

درجنگ روانی ممکن هدف این باشد که طرف را بترساند و بر نگرش جمعیتی از هواخواهان جناح مخالف به شکل خصمانه تأثیر بگذارد تا حامیان همان جناح در مقابل رهبران خود قرار گیرند.

در گذشته ها تصورچنان بود که درکنار جنگ کلاسیک وفیزیکی جنگ روانی جزء اصول و راز های بقای انسان ها بوده، اما درسالهای اخیر، با رشد وکثرت رسانه ها که درنتیجه آن انفجار اطلاعاتی و رسانه یی رخ داده است. جنگ سایکولوژیک یک امرعادی وپیش پا افتاده برای بقای انسان محسوب نمیشود، بل نبردی است برای تسلط بر افکار واذهان عامه، این نبرد اکنون در افغانستان توانسته است برتری کتله ها را مؤجه جلوه دهد وبرای قبولاندن حرف وکلام دروغین در ذهن ها عبا ها وقبا های رنگین ببافد وجامعه را به بحران بکشاند.

پیشینه و برداشت دیگران از جنگ روانی:

به نقل از سایت هالندی زبان - وزارت دفاع آمریکا جنگ روانی را نیز تعریف می کند: " "استفاده برنامه ریزی شده از تبلیغات و سایر اقدامات روانشناسی ، با هدف اصلی تأثیرگذاری بر افکار ، احساسات ، نگرش و رفتار گروههای خصمانه به گونه یی که آنها از هدف ملی حمایت کنند."

به مقیاس جهانی "عملیات روانشناسی"، "عملیات رسانه‌ای" و "عملیات اطلاعاتی - استخباراتی" که جنگ روانی را به نفع طرف‌های درگیر سازماندهی و اجرا مینماید، یک پروسه واحد و با هم مرتبط اند.

اسکندر مقدونی در گذشته‌های دور از یک شکل اولیه از جنگ روانی استفاده می‌کرده است. وی با قرار دادن یونانی‌ها در شهرهای فتح شده برای معرفی فرهنگ یونان و سرکوب بینش‌های مخالف، بر نگرش جمعیتی که فتح کرده بود تأثیر گذاشت. رزمندگان مغول نیز با بکار بردن ترور و کسب شهرت برای جنگجویان بی رحم خود، آنان را در خدمت گماشتند. هدف مغول‌ها نیز ترسانیدن دشمن بود. در جنگ جهانی دوم، هم قدرتهای محوری و هم متفقین از جنگ روانی استفاده کردند. چنانچه ایالات متحده آمریکا و انگلیس پیام پناهنده گان آلمانی مانند "توماس من" را از طریق رادیو برای مردم آلمان ارسال می‌کردند و در جبهه روسی نیز از سربازان ورمخت خواسته شد تا با استفاده از بلندگوها قدم بزنند.

تکنیک‌های مورد استفاده در جنگ روانی معمولاً اینها اند:

-توزیع اعلامیه‌ها به کمک طیاره‌ها، بالون‌ها یا راکت‌ها.

-پخش پیام از طریق رادیو یا از طریق لودسپیکرها.

-پخش اطلاعات از طریق ویبلاگ‌ها، کانون‌ها، انجمن‌ها و جریان بحث و گفتگوها

-و اخیراً نترنیت شامل (فیسبوک- مسنجر، وایبر، واتساپ، تویتر، انستگرام، تلگرام... و غیره وسایل تکنالوژی مدرن)

آنچه در افغانستان میگذرد!

در نتیجه مداخلات بیشرمانه دستگاههای مخوف و جهنمی شرق و غرب که به جزء منافع دایمی خودشان، کمتر برای رفاه و آسایش مردم افغانستان گام مثبت برداشته اند. ولی نیروی‌های بیرونی برای پیاده نمودن منافع خود با حلقه‌ی دوست و به اصطلاح دهن جوال را گرفته و با حلقه و دسته دیگر مخالف و خصم شده اند.

بر مبنای چنین نیات وضعیت دشوار سیاسی و روانی در جامعه ادامه داشته و هنوز هم بسوی بحران کامل دامن زده میشود.

گماشته گان بیگانه‌ها توسل به شیوه‌های گوناگون روانی مانند: سخنرانی‌های مهیج با ژست‌های حق به جانب، تحریک هیجانات توده‌های ملیونی مردم با استفاده از خلا‌ها، ضعفها و ناتوانایی‌های طرف مقابل که در بسا موارد خودعامل این همه بوده اند، پیام رسانی‌های احساساتی و کوتاه، شایعه پراگنی‌ها، دروغ بافی‌ها و تهمت زنی‌ها که جز مهم جنگ سایکولوژیکی محسوب میشود، جامعه را به بحران کشانیده اند، و از برون نسخه جنگ به داخل کشور صادر مینمایند.

یکی از نیرنگهای جنگ روانی عبارت از جهل مخاطب است. زیرا مخاطب جاهل هیچگاه به دنبال یافتن حقیقت نمی‌رود، آنچه را که از قبل در ذهنش فرو کرده اند، همان را میپذیرند، اما از حقیقت روشن گریز و دوری مینمایند.

مهم ترین جنبه جنگ سایکو لوژیک شکل دادن به نگرشهای عمومی یک ملت و یک جامعه است که از طریق رسانه ها یا بصورت ارعاب، تطمیع و فریب توده های غرق در خرافات و نادانی تحقق می یابد.

از آنجایی که جنگ روانی برای به بیراهه کشاندن حریف بکار برده میشود و هدف آن تسلط بر ذهن افراد و اشخاص و در مجموع جامعه میباشد. بنده بسته ساختن، فرسوده ساختن و درهم شکستن حریف به وسیله دیگری مطرح میشود که این وسیله همان جنگ روانی میباشد.

رویداد های جاری وطن ما به وضاحت نشان میدهد که حلقه ها و دسته های ماجرا جو، پسیف و ناتوان با توسل به جنگ روانی میخواهند تبهکاری های شان را کتمان کنند و با استفاده از ننگ آورترین متودها به اغوای ملت ادامه دهند.

از تداوم چنین جنگ روانی دستگاههای جهنمی منطقه و جهان، افراطیون، مافیای قدرت، جنگسالاران که آفتاب عمرشان به پایان رسیده، سود میبرند که برای پیشرفت و تعالی افغانستان هیچ برنامه ندارند و در بحران و سردرگمی اسپ شان را در کمند سرکار می بندند.

پیامد های چنین وضعیت آشکار است. همانطوری که تا حال شاهد بوده ایم که این جنگ روانی به جز انقطاب اجتماعی و فرهنگی، پارچه- پارچه شدن مردم، اقوام و ملیتهای افغانستان حاصل دیگری نداشته است. در آینده نیز به جزء عمیق شدن چنین اختلافات بی لزوم، ظهور بحران همه گانی و در نهایت تجزیه و متلاشی شدن افغانستان پیامد روشن و مثبت نخواهد داشت.
